

## "چپ آلمان"

### تولدی تازه در قلب اروپا

عسگر داوودی

کنگره وحدت «حزب چپ آلمان» متشکل از دو «حزب سوسیالیسم دموکراتیک» و «حزب آلترناتیو انتخاباتی» در روز ۲۱ ماه یونی در برلین برگزار شد. «حزب سوسیالیسم دموکراتیک» با ۶۰ هزار عضو به رهبری «لوتار بیسکی» و «گریگور گیزی» و «حزب آلترناتیو انتخاباتی» با ۱۱ هزار و پانصد هزار عضو به عنوان گروه منشعب از «حزب سوسیال دموکرات» آلمان و به رهبری «اسکار لافونتن» دبیر اول اسبق حزب سوسیال دموکرات «حزب چپ آلمان» را بنیانگذاری کرده اند. اتحاد دو جریان سیاسی چپ بازتاب های سیاسی وسیعی را در صحنه سیاسی آلمان برانگیخت.

«اسکار لافونتن» و «لوتار بیسکی» (دبیر اول حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان) هر دو با هم به رهبری مشترک «حزب چپ آلمان» برگزیده شدند و «گریگور گیزی» عضو برجسته حزب مسئولیت هیئت پارلمانی «حزب چپ آلمان» را به عهده خواهد داشت. «اسکار لافونتن» در سخنرانی خود در کنگره وحدت از جمله گفت: من به عنوان دبیر اول سابق «حزب سوسیال دموکرات» اکنون در مقابل شما اعلام می کنم که چپ واقعی در آلمان چپ همگام با جنبش کارگری است. یک سوسیالیست ضروری نیست که حتما یک مسیح باشد، اما یک مسیح حتما یک سوسیالیست است. این موضوع را ما به عنوان انتقاد خطاب به کلیسا اعلام می کنیم. ما در تاریخ آلمان سه شخصیت برجسته داریم، اولی «روزا لوکزامبورگ» است که گفت «آزادی یعنی آزادی دگراندیشان»، دومی «کارل لیبکنشت» است که با مرگ خویش ثابت کرد مرگ آنقدر سخت نیست که انسان روح زمانه خویش باشد. او مبارزی بود که مقاومت را سازماندهی کرد. او ضد جنگ بود. سومین شخصیت «ویلی برانت» بود که گفت: هیچ کس مجاز نیست از این پس آتش جنگ را از خاک آلمان به دیگر کشورها سرایت دهد. اسکار لافونتن همچنین گفت:

ما احساس می کنیم که دموکراسی در آلمان در خطر است. با توجه به مبحث بازنشستگی، با توجه به مبحث بهداشت و درمان، با توجه به وضع بحرانی بازار کار، با توجه به افزایش میزان مالیات ها، با توجه به حضور نیروهای نظامی آلمان در افغانستان، دموکراسی در آلمان در بحران است، به همین دلیل ما در آلمان نیازمند تجدید دموکراسی هستیم. ما به عنوان چپ های واقعی آلمان در این رابطه با مردم همراه هستیم.

در رابطه با مسائل حزبی باید بگویم که باید روش مراجعه مستقیم به آراء اعضاء در حزب اعمال شود. دموکراسی مستقیم زمانی قابل باور است که اول از خودمان شروع کنیم. ما خوشحالیم که امروز خانم ها و آقایان، نمایندگان سندیکاها در این جلسه حضور دارند. ما می پرسیم که چرا سال های متمادی در آلمان سندیکاهاى مختلف در بحران به سر برده اند و گرفتار عقب نشینی شده اند؟ هزاران مزد بگیر شرکت مخابرات (تله کام) هم اکنون با پائین بودن دستمزدها مواجه هستند. ۵۰ هزار نفر از آن ها در برنامه بیکار سازی این شرکت خصوصی قرار گرفته اند. ضروری است تا اشکال جدید مبارزاتی را به میدان آورده و اشکال قبلی را مورد بازبینی قرار دهیم. من می گویم فرانسوی یاد بگیریم، یعنی اشکال مبارزاتی فعلی آن ها را به کار ببریم: **اعتصابات عمومی و سراسری.**

کنترل قدرت های اقتصادی نیز از جمله وظایف چپ ها است. زمانی که قدرت اقتصادی در کنترل نیست ضروری است تا به شکل دموکراتیک به کنترل در آورده شود. ما از این چنین

کنترلی حمایت می کنیم. اکنون ما قدرت جدیدی در صحنه سیاست آلمان محسوب می شویم، قدرتی که حقوق تمامی ملت را می خواهد دوباره طرح کند. سال هاست که حقوق دیگر ملت در سیاست خارجی آلمان مورد توجه واقع نشده است. این یک ضعف بزرگ است. با توجه به سیاست دولت فعلی آلمان در عراق، من جمله ای از «روزا لوکزامبورگ» نقل می کنم. او می گوید «سرمایه داری همیشه جنگ را به همراه خود یدک می کشد. ما نیز ابرهای باران را با به همراه داریم.» اگر سؤال شود که در فلان کشور چرا جنگ است؟ حتی یک کودک دبستانی نیز جواب خواهد داد که چون در آنجا منابع نفت وجود دارد. ما به صراحت اعلام می کنیم که این جنگ ها نتیجه سیاست «سرمایه مالی» در جهان است. در جهان صلح برقرار نخواهد شد تا زمانی که مرتبا گفته می شود که هر مسلمانی وقتی بمبی پرتاب می کند تروریست است و هر مسیحی که بمبی پرتاب می کند، مبارز راه آزادی! با این سیاست چهره کشور ما عملا به یک کشور ضد صلح تبدیل می شود. البته این اخلاق متعلق به کشورهای صنعتی غرب است.

ما همچنین حزب محیط زیست آلمان خواهیم بود. همانطور که «لوتار بیسکی» و «گریگور گیزی» بارها گفته اند من هم می گویم: حزبی که به مصرف گرائی و سود جوئی باور داشته باشد، نمی تواند حزب محیط زیست باشد، نمی تواند مسائل محیط زیست را حل کند، به همین دلیل نیز برنامه های «حزب سبز» های آلمان پاسخگوی مشکلات محیط زیست آلمان نیست. چنین حزبی شبیه یک داروی بی خاصیت است. سوالات سیستماتیک ما در رابطه با بحران محیط زیست و جواب های آن ها نیز نزد ما است. «حزب سبز» ها قدرت درک این موضوع را ندارد که مبحث محیط زیست رابطه ای مستقیم با مباحث امور اجتماعی - اقتصادی دارد. موضوع محیط زیست با جنگ، صلح، نفت و گاز سر و کار دارد. تصور کنید روزی را که بازار تولید انرژی بعنوان پدیده ای بحران زا زیر سوال برود. ما خواهان دولتی کردن بازار قیمت گذاری انرژی هستیم. «حزب چپ آلمان» در مقابل خصوصی سازی نئو لیبرالیستی خواهد ایستاد. ما حزب غیر متمرکز کردن تولید انرژی هستیم، چون غیر متمرکز کردن خاصیت محیط زیست است. من در این لحظه به مهمانان عزیز حاضر در جلسه بویژه به آقای «رودیگر زاکل» نماینده تا به امروز در «حزب سبزها» و سخنگوی سابق سیاست های مالی این حزب در «ایالت نوردن وست فالن» که اکنون خود مسئولیت های حزبی را از خود سلب کرده و به حزب ما پیوسته خوش آمد می گویم. آقای «زاکل» خوش آمدید.

ما مبحث محیط زیست را به امر روزانه حزب تبدیل خواهیم کرد. ما همچنین حزب جهانی شدن بشر دوستانه هستیم. ما پاسخ پدیده های جهانی شدن را داریم و ما معتقدیم که جهانی شدن باید با قوانین اجتماعی عادلانه همراه باشد. ما به صراحت اعلام می کنیم که با تمام توان جهت رشد پدیده سوسیالیسم قرن ۲۱ در آمریکای لاتین همکاری خواهیم کرد. مبارزان آمریکای لاتین به ماها در اروپا و به دیگر نیروهای مترقی و دموکرات جهان اعتماد به نفس و امیدواری می دهند. این سیاستی کاملا درست است که در آمریکای لاتین منابع انرژی، وسائل ارتباط از راه دور و شبکه انرژی، دولتی اعلام می شود. این عین دموکراسی است که دولتی و ملتی با هم در باره دارائی های خود تصمیم می گیرند. من می دانم که بسیاری از شماها «هوگو چاوز» را قهرمان آمریکای لاتین می دانید، اما من برای «اووه مورالس» نیز به همان اندازه احترام قائل هستم. ببینید چقدر مهم است که یک سرخ پوست برای اولین بار رئیس جمهور کشوری بشود که ملت آن جز غارت و تجاوز در کشور و قاره خود چیز دیگری را تجربه نکرده است و برای ما بسیار با ارزش است که کشور بولیوی مراکز تولید انرژی خود را دولتی اعلام می کند. چقدر قابل احترام و تقدیر است وقتی که «اووه مورالس» زبان سرخ پوست ها را دو باره بعنوان زبان رسمی بولیوی اعلام می کند.

ما شانه به شانه و در کنار و به همراه دیگر نیروهای مترقی جهان به عنوان منتقدین جهانی شدن سرمایه داری مبارزه خواهیم کرد. در این رابطه دوست عزیزم آقای «آدلبرت

ریشتر» نماینده سابق حزب «سوسیال دموکرات» که زمانی طولانی نیز در گذشته با من در رابطه با مسائل جهانی شدن همکاری داشته و اکنون به حزب ما پیوسته است، خوش آمد می گویم. ادلبرت خوش آمدی.

ما آرزوها و امیدهای بیش از ۴ میلیون نفر از مردم آلمان را نمایندگی می کنیم. آنها که در سال ۲۰۰۵ در انتخابات پارلمانی به ما رای دادند. ما آرزوهای آن ها را نا کام نخواهیم گذاشت.

حضور آقایان و خانم ها از سراسر جهان در این جلسه نشان می دهد که دنیا نظاره گر رفتار حزب چپ آلمان است. آنها نظاره گر تحرک جنبش کارگری در آلمان می باشند. ما در این رابطه نیز بصورتی اخلاقی خود را پاسخگو می دانیم. ما خواهان برقراری آزادی و سوسیالیسم هستیم.

اسکار لافونتنن همچنین در مصاحبه با روز نامه سوسیالیستی «یونگه ولت» از جمله گفت: ما بر این باور هستیم که هزینه های حضور نظامی آلمان در افغانستان باید در جهت رشد و آبادانی افغانستان صرف شود.

لافونتنن گفت: فراکسیون «حزب چپ» در پارلمان تمایل زیادی جهت فعالیت های خارج از پارلمان دارد. ما با سندیکاها همکاری داریم. کوشش می کنیم تا گفتگوهای خود را با مسئولین کلیسائی آلمان افزایش دهیم. مرحله بعدی مبارزاتی ما در پارلمان پیش کشیدن طرح فرم بازنشستگی است. اطلاعات منتشر شده توسط او. اسی. ی (سازمان بین المللی رشد و همکاری های اقتصادی مستقر در پاریس) نشان می دهد که بازنشسته های در آلمان نسبت به دیگر کشورهای همتراز از حقوق بازنشستگی کمتری برخوردارند. در این رابطه باید تجدید نظر شود. ما اصراری نداریم که یک حزب مرکزگرا باشیم. ما در بخشی از حوزه های انتخاباتی خود را حریف حزب «سوسیال دموکرات» می دانیم. همسوئی سیاست های «گرهارد شرودر» و حزب «سوسیال دموکرات» با سیاست های «تونی بلر» از «حزب کارگر انگلیس» کاملاً همخوانی دارد و در عمل و بطور غیرمستقیم مواضع نئولیبرالیستی «مارگارت تاچر» می باشد. حزب «سوسیال دموکرات» در آلمان عملاً همان مواضع راست دوران نخست وزیری «هلموت کهل» از حزب راستگرای «دموکرات مسیحی» آلمان را اعمال می کند. سیاست های راست روانه حزب «سوسیال دموکرات» باعث از بین رفتن امکانات خدمات اجتماعی در کشور شده است. خصوصی سازی های هر دو دولت چه توسط دولت مربوط به حزب «سوسیال دموکرات» و چه دولت فعلی مربوط به حزب محافظه کار «دموکرات مسیحی» از طریق مقرر کردن پرداخت بخشی از هزینه های امور درمانی - بهداشتی توسط مردم و خصوصی سازی بخشی از خدمات بازنشستگی، عملاً فشار اقتصادی قابل توجهی را بویژه بر قشر بیکار کشور تحمیل کرده است. آن ها وادار به اشتغال هائی شده اند که باید به دستمزد اندک حاصل از آن راضی باشند. همچنین همراهی حزب «سوسیال دموکرات» در تهاجم «ناتو» به یوگسلاوی از جمله سیاست ها راست این حزب بود. حزب «سوسیال دموکرات» در سال ها اخیر تدریجاً به روابط و همکاری های پارلمانی خود را با احزاب چپ حاضر در پارلمان نیز پایان داده است.

لافونتنن همچنین در این مصاحبه متذکر شد که در مبارزه مزد بگیران جهت بالا بردن میزان حداقل دستمزدها، حزب «سوسیال دموکرات» سیاست مخالفت با افزایش دستمزد ها را اتخاذ کرده است و در رابطه با حضور نیروهای نظامی آلمان در افغانستان همسو با دولت راستگرای خانم «آنجلا مرکل» عمل کرده است. آنها حتی با بالا بردن سن بازنشستگی که توسط دولت به ۶۷ سالگی افزایش داده شده است، نیز هیچگونه مخالفتی نشان نداده اند.

لافونتنن در مصاحبه خود همچنین گفت: سیاست های حزب «سوسیال دموکرات» بسیار زیان آور بوده و هم اکنون بخشی از اعضاء سندیکاهاى آلمان متوجه شده اند که در نبود «حزب چپ» آنها از طرف حزب «سوسیال دموکرات» به احزاب راست فروخته خواهند شد. (لازم

ذکر است که تعداد قابل توجهی از فعالین سندیکائی آلمان به همراه اسکار لافونتن از حزب سوسیال دموکرات جدا شده و به «حزب چپ آلمان» پیوسته اند.

راه توده ۱۳۷ - ۲۰۰۷، ۰۶، ۲۵